



فصل هفتم

مدل طیبیانه

انتخاب و سرنوشت

مدل طیبانه:

در این روش سخنران ابتدا درد یا همان مشکل مخاطب را به صورت دقیق شناسایی می‌کند. بعد از مشخص شدن درد داروی متناسب با آن درد را از میان آموزه‌های دین شناسایی می‌کند و در پایان فرایند درمان و دستورالعمل دین را برای رفع درد و مشکل به مخاطب عرضه می‌نماید.

عنوان: انتخاب و سرنوشت

مقدمه و اهمیت طرح بحث:

مردم جامعه اسلامی در زمان امام حسین علیه السلام را می‌توان به سه گروه تقسیم کرد:

۱. کسانی که انتخاب درست کردند، مانند اصحاب سیدالشهدا علیهم السلام.
۲. کسانی که انتخاب اشتباه کردند، مانند سی هزار نفری که در لشکر ابن زیاد حاضر شدند.
۳. کسانی که منزوی بودند و به دلایلی بین امام حق و امام باطل انتخابی نکردند و این‌ها در اکثریت بودند و از آن جمله می‌توان

به موارد ذیل اشاره کرد:

- مردم مدینه، که از خروج امام حسین علیه السلام و هدفشان آگاه شدند؛

- کسانی که در طول مسیر حرکت امام به سمت مکه ایشان را ملاقات کردند؛

- تمام کسانی که در مکه و موسم حج، ایشان را دیدند و خطابه‌های حضرت و دلیل خروج ایشان را شنیدند؛

- کوفیانی که برای ایشان دوازده هزار نامه نوشتند و با مسلم بن عقیل علیه السلام بیعت کردند.

اگر بخواهیم یکی از دردهای مردم آن زمان را بگوییم، باید از عدم انتخاب صحیح و یا استفاده نکردن از قدرت انتخاب سخن گفت. در این جلسه قصد سخن گفتن از شرایط و ویژگی‌های انتخاب صحیح را نداریم که در جای خود حتماً نیاز است، بررسی شود؛ اما می‌خواهیم از حق انتخاب و آسیب‌شناسی اکثریت مردم آن زمان که بین امام حسین علیه السلام و یزید، بابت تفاوتی و عدم استفاده از حق انتخاب هیچ‌کدام را انتخاب نکردند، حرف بزنیم. بنابراین می‌خواهیم به طور خلاصه از برکات انتخاب‌گری در عاشورا و امروز سخن بگوییم.

درد

اگر بخواهیم به اسلام مراجعه کنیم می‌بینیم که یکی از مهم‌ترین مسائل سرنوشت‌ساز برای هرانسانی، مسئله انتخاب‌گری است و خداوند مسیر رشد انسان را (چه در مسائل شخصی و چه در مسائل اجتماعی) از مسیر انتخاب‌هایش تعیین نموده است.

درواقع بزرگ‌ترین مشکل جامعه اسلامی در زمان امام حسین علیه السلام که اکثریت مردم را درگیر خود کرده بود، این است که خود را موظف به انتخاب نمی‌دانستند.

- در زمان امام علی علیه السلام کسانی بودند که در برابر حق سکوت می‌کردند، مانند سعد ابی وقاص؛^۲

- کسانی که زمان امام حسن علیه السلام جزو ساکتین بودند و حاضر به حضور در لشکر امام نشدند و ایشان را تنها گذاشتند؛^۳

- در زمان امام حسین علیه السلام نیز همین ماجرا، به شکل دیگری تکرار شد. کسانی که در بین راه حضرت را دیدند؛ کسانی که در مکه سخنرانی امام را شنیدند؛

مردم کوفه که می‌دانستند امام به سمت آن‌ها در حرکت است، همه و همه نشان دهنده این است که مردم با اینکه می‌توانستند حضرت را یاری کنند ولی از قدرت انتخابی که خدا به واسطه عقل و خرد به آن‌ها داده بود، استفاده نکردند و از برکت رشدی که در ورای این انتخاب بود، بهره‌مند نشدند.

به عنوان نمونه:

عبیدالله بن حر جعفی: از اشراف و دلیران کوفه بود که امام حسین علیه السلام در بین راه در منزل بنی مقاتل به او رسیدند؛ حضرت قاصدی فرستادند تا او را به یاری فرا بخواند. پاسخ داد: من از کوفه خارج نشدم مگر اینکه خواستم با حسین بن علی علیه السلام روبرو بشوم.^۴

دارو

الف) توجه به لزوم انتخاب‌گری در نگاه عقل و دین

۱. انتخاب‌گری در نگاه عقل:

درواقع عقل آمده است تا انتخاب کند و کارکردی به جز فهم

منفعت و ضرر و انتخاب ندارد. فرق بین انسان و سایر موجودات در همین نکته است.

۲. انتخاب گری در نگاه دین:

آیات زیادی از قرآن به این مسئله اشاره دارند:

«الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ

هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ»^۵

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»^۶

ب) توجه به نقش انتخاب گری در سعادت فردی و اجتماعی
نقش انتخاب در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، بسیار مهم است؛ یعنی انسان با بهره‌گیری از عقل و قدرت انتخاب تمام زندگی‌اش را مدیریت می‌کند. از انتخاب نوع پوشش، غذا، ماشین، رشته تحصیلی و ازدواج گرفته تا انتخاب رهبر و مسئول جامعه، همه و همه نقش مهمی در زندگی هر انسانی بازی می‌کند. قرآن کریم می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقُومٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»^۷

هر قدر این انتخاب‌ها، عاقلانه و عالمانه صورت گیرد، قطعاً نتایج بهتری حاصل خواهد شد.

چند نمونه از شواهد تاریخی در مورد تأثیرات انتخاب مردم در سرنوشت مسلمانان:

در زمان امام علی علیه السلام مردم در ابتدا دور حضرت را خالی کردند و نتایجش را دیدند و بعد از بیست و پنج سال به اشتباهشان پی بردند و چنان در مقابل خانه امیرالمؤمنین علیه السلام تجمع کردند که حضرت فرمودند:

«لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بُوْجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ

اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقْرِؤَا عَلَى كَيْفَةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعْبٍ مَظْلُومٍ
لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِهَا وَ لَسَقَيْتُ آخِرَهَا بِكَأْسِ أَوْهَانِ؛^۸
سوگند بدان خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید اگر آن
گروه (بسیار نزد من) حاضر نمی شدند و با بودن یاور، حجت
(در آن روز بر من) تمام نشده بود و (اگر نبود) آن پیمانی که
خداوند از زمامداران گرفته به اینکه تن به سیری ستمکار و
گرسنگی ستمدیده ندهند هرآینه مهار (شتر) خلافت را به
کوهانش می افکندم و هرآینه آب می دادم پایان آن را به جام
آغاز آن.»

حضرت با اعتماد و پاسخ به انتخابی که مردم کردند در زمان
کوتاه حکومت خود اگرچه با مشکلات و جنگ‌هایی مواجه
بودند، با این حال خدمات فراوانی به جامعه اسلامی ارائه دادند
که برکات آن تا کنون نیز ادامه دارد که خود سبکی الهی و مترقی
در مدیریت جامعه اسلامی ست.

امام حسین علیه السلام نیز به انتخابی که مردم کوفه کردند و به اطلاع
حضرت رساندند، احترام گذاشتند^۹ و دعوت‌شان را اجابت کردند،
ولی مردم در دعوت‌شان استوار نبودند.

شب عاشورا امام علیه السلام دوباره یاران را در معرض انتخاب قرار دادند
و با توجه به اینکه ارزش کار هر کس به انتخاب‌های اوست،
فرمودند: آگاه باشید همانا من دیگر گمان یاری کردن از این مردم
ندارم، آگاه باشید من به همه شما رخصت رفتن دادم پس همه
شما آزادانه بروید و بیعتی از من به گردن شما نیست و این شب
که شما را گرفته فرصتی قرار داده آن را شتر خویش کنید (و بهر سو

خواهید بروید)!

با الهام از این نگاه عمیق اسلامی، انقلاب ما نیز به انتخاب مردم اهمیت داده است و در اولین اقدام، انتخابات پذیرش جمهوری اسلامی ایران و طی سی و شش سال، سی و شش انتخابات برگزار کرده است و همین مردم سالاری دینی موجب رشد و تعالی مردم شریف ایران گردیده است.

درمان

حال که دانستیم مسئولیت هر انسان عاقل و دین‌داری، انتخاب‌های درست در زندگی است، حال می‌خواهیم راه‌های رسیدن به انتخاب درست را به اجمال از نگاه قرآن بررسی کنیم:

الف) تقوی زمینه انتخاب درست را مهیا می‌کند:

- «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»^{۱۱}

کسی که تقوای الهی را پیشه کند خدا راه خروج از مشکلات را به او نشان می‌دهد.

- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»^{۱۲}

ای کسانی که ایمان آوردید، اگر تقوی الهی داشته باشید، خدا قدرت تمییز حق از باطل را به شما می‌دهد.

ب) تلاش برای رسیدن به انتخاب درست:

- «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^{۱۳}

کسانی که در راه ما تلاش می‌کنند، راه هدایت را به آن‌ها نشان می‌دهیم.

ج) مشورت با عالمان:

- «فَسَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛»^{۱۴}

اگر نمی دانید از اهل ذکر بپرسید.

بهترین و بالاترین عالمان، اهل بیت: هستند که در روایت متعدد اهل ذکر خوانده شده اند:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ - وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَكَ
وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ فَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الذِّكْرُ أَهْلُ بَيْتِهِ:
الْمُسْتَأْذِنُونَ وَهُمْ أَهْلُ الذِّكْرِ.»

خلاصه:

در این طرح بحث ابتدا اهمیت انتخاب و ارتباط آن با عقل را گفتیم.

درد:

انتخاب نکردن به عنوان فرار از مسئولیت و در نتیجه عدم رشد در امتحان.

دارو

توجه به لزوم انتخاب گری در نگاه عقل و دین

توجه به نقش انتخاب گری در سعادت فردی و اجتماعی

درمان

تقوی زمینه انتخاب صحیح را فراهم می کند.

تلاش برای رسیدن به انتخاب درست.



۱. این‌که مردم هیچ‌یک را انتخاب نکردند، تعبیر مسامحه‌ای است و در واقع کسانی که امام حسین علیه السلام را انتخاب نکردند، در جبهه باطل بودند و در میدان دشمن بازی کردند.
۲. سعد بن ابی وقاص که از بزرگان صحابه به شمار می‌رفت، با این‌که به فضائل امیرالمؤمنین علیه السلام آگاه و معترف بود، ولی از همراهی ایشان سرباز زد و از طرف دیگر با معاویه نیز همراه نشد. اسرار آل محمد: / ترجمه کتاب سلیم، ص ۵۸۷.
۳. اسرار آل محمد: / ترجمه کتاب سلیم، ص ۶۵۵.
۴. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۲، ص ۸۱.
۵. زمر، ۱۸.
۶. انسان، ۳.
۷. رعد، ۱۱.
۸. الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ۱، ص ۲۸۹.
۹. الإرشاد للمفيد / ترجمه ساعدی، ص ۳۸۱.
۱۰. الإرشاد للمفيد / ترجمه رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۹۴.
۱۱. طلاق، ۲.
۱۲. انفال، ۲۹.
۱۳. عنكبوت، ۶۹.
۱۴. نحل، ۴۳.